



## Editorial

Since the onset of the scientific and industrial transformation in Europe, it was widely assumed that the ever-expanding branches of human knowledge, on the one hand, and the impossibility of mastering all of them, on the other, would inevitably lead to the separation of different fields of science. Consequently, the humanities gradually diverged from the natural sciences and engineering disciplines, while each of the latter also pursued its own distinct path. Yet, as this separation continued over time, the need for greater interconnectedness among the sciences became increasingly apparent. After all, the entirety of human knowledge either serves humanity or seeks to understand it; therefore, no field of knowledge can be meaningfully discussed without reference to human beings and human considerations.

This need, and the perspective that emerged from it, gradually elevated the significance of interdisciplinary studies, providing scholars with opportunities to examine a subject or problem from multiple perspectives and through diverse methodological approaches.

Medicine is undoubtedly among the most interdisciplinary of sciences. Owing to its multifaceted epistemological dimensions, it draws upon a wide range of fields of knowledge. Through a dynamic and reciprocal interaction between medicine and other disciplines, new areas of inquiry have emerged, including medical sociology, medical law, and medical ethics.

Although Islamic jurisprudence (*fiqh*) concerns itself with the acts of legally responsible individuals (*mukallaḥūn*) and the five normative rulings-obligation, prohibition, reprehensibility, recommendation, and permissibility-while medicine focuses on the human body and its health, an interdisciplinary domain emerges whenever a Muslim individual becomes involved in the therapeutic process, whether as a patient receiving treatment or as a physician providing it. In such circumstances, medical actions become subject not only to the five legal rulings but also to legal status

rulings (*aḥkām waḍ'īyyah*), thereby giving rise to the field of Medical Fiqh.

Medical Fiqh has thus established its place as an interdisciplinary field situated between the humanities and the medical sciences. Medical phenomena are closely intertwined with the teachings of Islamic jurisprudence, and from their interaction emerge practical guidelines governing the conduct of both patients and physicians. For example, a mother's illness and her inability to continue a pregnancy constitute a medical issue whose diagnosis falls within the physician's expertise. However, the implications of that diagnosis may lead to specific legal obligations and rulings affecting both the patient and the physician.

Engaging Islamic jurisprudence with emerging medical issues and striving to provide religious and legal responses to them is a demanding task. The medical community is not generally accustomed to such a specialized interaction with a non-empirical field such as the humanities, and religious scholars (*fuqahā'*) likewise often lack sufficient experience in formulating realistic responses to novel medical challenges. Such responses require not only a thorough understanding of juristic principles and methods of legal deduction but also an accurate and comprehensive understanding of the medical subject itself. This challenge has become one of the most significant issues confronting contemporary jurists.

Although the juristic engagement with medical issues may appear to be relatively recent, a careful examination of the primary sources of Islamic law reveals that Muslim jurists, in accordance with the circumstances of their respective times and places, have consistently sought to address such issues and derive their legal rulings from the four recognized sources of Islamic jurisprudence.

It is hoped that the publication of scholarly research in the *Journal of Medical Fiqh* will contribute meaningfully to the advancement of interdisciplinary scholarship and foster deeper engagement with the issues and challenges arising within the field of medicine.



## مجله فقه پزشکی

دوره هفدهم، شماره چهل و هفت، ۱۴۰۴



### سخن سردبیر

بدین ترتیب، فقه پزشکی به‌عنوان دانشی میان رشته‌ای جایگاه خود را در میان علوم انسانی از یک‌سو و علوم پزشکی از سوی دیگر به دست آورده است؛ چرا که پدیده‌های پزشکی با آموزه‌های فقه اسلامی درهم تنیده شده و از برآیند آن‌ها دستوری رفتاری برای بیمار و پزشک تدوین می‌گردد. به‌عنوان مثال ابتلای مادر به بیماری و عدم تحمل ادامه بارداری برای وی، مسأله‌ای پزشکی است که تشخیص آن بر عهده پزشک است؛ اما نتیجه این تشخیص می‌تواند حکمی تکلیفی برای هر یک از بیمار و پزشک به دنبال داشته باشد.

درگیر کردن فقه با مسائل نوظهور و تلاش برای یافتن پاسخ‌های دینی - فقهی برای آن‌ها کار دشواری است؛ زیرا نه جامعه پزشکی به برقراری چنین تعامل ویژه‌ای با یکی از دانش‌های مرتبط با حوزه غیرتجربی، یعنی علوم انسانی، عادت دارد و نه عالمان دینی (فقیهان) تجربه کافی در ارائه پاسخ‌های واقع‌بینانه به مسائل نوظهور پزشکی دارند، چرا که طرح چنین پاسخ‌هایی تنها با آگاهی از مبانی فقهی و قواعد استنباط احکام شرعی امکان‌پذیر نبوده، شناخت دقیق از موضوع نیز شرط اصلی برای ورود به چنین حوزه‌ای است و این همان چالش جدی است که فقیهان در سال‌های اخیر با آن روبه‌رو هستند.

هرچند به نظر می‌رسد نگرش فقهی به موضوعات و مسائل پزشکی عمر چندان زیادی نداشته باشد؛ اما جستجو در منابع اصیل فقه اسلامی نشان می‌دهد که فقهای مسلمان بسته به شرایط زمانی - مکانی خود، نسبت به بررسی حکمی این موضوعات و مسائل اهتمام داشته و کوشیده‌اند حکم شرعی آن‌ها را از منابع چهارگانه فقه اسلامی استخراج کنند.

امید می‌رود انتشار پژوهش‌های محققان در فصلنامه علمی - پژوهشی فقه پزشکی گامی مؤثر در توسعه فرهنگ تحقیقات میان رشته‌ای نسبت به مسائل و موضوعات مطرح در دانش پزشکی باشد.

از شروع تحول علمی - صنعتی در اروپا تصور همگان بر این قرار گرفت که گستردگی شاخه‌های دانش بشری از یک‌سو و عدم امکان چیرگی بر تمامی آن‌ها از سوی دیگر، جدایی ساحت‌های مختلف علوم را از یکدیگر به دنبال دارد. در نتیجه، آرام آرام راه علوم انسانی از علوم پایه و فنی - مهندسی جدا شد، همچنان‌که هر یک از علوم پایه و فنی - مهندسی نیز راهی به جز راه علوم انسانی را پیمودند. اما هرچه از عمر این جدایی بیشتر می‌گذشت، نیاز به پیوستگی آن‌ها بیشتر احساس می‌شد، زیرا مجموعه دانش‌های بشری یا در خدمت انسان است یا برای شناسایی انسان؛ پس نمی‌توان بدون انسان و ملاحظات انسانی از دانشی سخن گفت.

چنین نیاز و به‌دنبال آن، چنین نگرشی به علم سبب شد تا به تدریج دانش‌های میان رشته‌ای از اهمیت بیشتر و بیشتری برخوردار شوند و این فرصت برای محققان فراهم شود که موضوع یا مسأله‌ای را از زوایای مختلف و با رویکردهای متفاوت بررسی کنند.

بدون شک، دانش پزشکی از جمله دانش‌های چند تباری است که به واسطه داشتن ضلع‌های گوناگون معرفتی، ریشه در علوم مختلف دوانیده و در یک تعامل دو سویه میان آن و سایر علوم، رشته‌هایی همچون: جامعه‌شناسی پزشکی، حقوق پزشکی و اخلاق پزشکی پا به عرصه دانش بشری گذاشته‌اند.

هرچند «فقه» از افعال مکلفان و احکام پنجگانه (وجوب، حرمت، کراهت، استحباب و اباحه) متعلق به آن گفتگو می‌کند و محور دانش پزشکی، بدن انسان و سلامت آن است؛ اما اگر انسان مسلمان در یکی از دو سوی این اقدامات درمانی قرار گیرد، یعنی بیماری باشد که قرار است درمان شود یا پزشکی باشد که می‌بایست دیگری را درمان کند، آن‌گاه به افعال و کارهای درمانی هر یک از آن‌ها، یکی از احکام پنجگانه تکلیفی، همچنین احکام وضعی تعلق گرفته و موضوع دانش میان رشته‌ای فقه پزشکی شکل می‌گیرد.